

متن پرسش

با سلام استاد: قبلا که مطالب کمتری نمیدونستم خیلی با بحث عشق به حق جلو میرفت حتی تو آرزو هام همش بود عاشق و واله خدا و اهل بیت باشم. گاه هم از پیاله این مستی چیزی می‌رسید ولی خیلی وقته نمیتونم با خدا عشق بازی کنم. دعا و اینا رو میخونم ولی عاشقانه نیست، وله ندارم چکار کنم اون محبت و عشق دوباره برگرده؟ مسیر محبت سرعتش برای من که خانم هم بودم سرعت عجیبی داشت و با توجه به اینکه مباحث عقلانی هم به چیزهایی می‌فهمیدم شخصیت دوست داشتنی داشتم ولی مدتی اونطور نیستم گاه از شدت عشق دلم میخاست سر به بیابانها بگذارم پدر مادر اذیت می‌شدن. نمیدونم بخاطر ناراحتی اونها دور شدم یا مسئله چیز دیگه است. استاد آدم تا در خانه پدر و مادر اذیت که اینطور بعد هم اگر وارد زندگی با همسر شود همیشه اونطور که دلش میخاد با خدای خودش مانوس شه شرایط اقتصادی هم که برای مجردها نیست بخان مستقل باشن. در این دو مورد لطفا راهنمایی کنید با توجه به اینکه آدم تا با خودم کنار نیاد نمیتونه افراد دیگه را وارد زندگی خودش کنه.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: امروز و در این تاریخ مسیر عشق حقیقی را در شهدا و رهبر معظم انقلاب می‌توان دنبال کرد و دل را باید به این مسیرها کشاند. عشق حقیقی و نورانی در این مسیرها تجربه می‌شود همچنان که با شهید حججی و شهید حاج قاسم سلیمانی تجربه شد.

شهداء در افسون گل سرخ شناور شدند، به جای آن که کارشان شناختن گل سرخ شود. سمینار آفتاب‌شناسی نگذاشتند، به سوی آفتاب رفتند. فرق است بین آفتاب‌شناسی و به سوی آفتاب رفتن. من و شما آمده ایم به زیارت شهدا تا به سوی آفتابِ زمانه آمده باشیم و حالات و احوالات خدای شهداء را احساس کنیم. این نوع «بودن»، شناور شدن در افسون گل سرخ است تا به زیبایی‌هایی که حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» در این عالم گشوده نظر کنیم و تماشاگرانه محو آن شویم و این یعنی قصه‌ی شهادت این شهداء. این یعنی در افسون گل سرخ این دوران، شناور شدن. حال هرچه می‌خواهد بشود، باداباد!

۲- در کنار سایر انسان‌ها می‌توان مطابق تکالیف شرعی عمل کرد و نگران نبود. موفق باشید.

